

گزارشی از مسجد کوچک اما پر قصه
ابتدای خیابان آیت... عبادی

مسجد والدین خانه‌ای ویژه که وقف شد

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

با پیگیری شهرآرامحله خودروهای رهاشده منطقه ۴
به پارکینگ منتقل شدند

نفس کشیدن کوچه‌ها
با انتقال خودروهای اسقاطی

۳



۶

ساعتی با مهدی خیابانی، انیمیشن‌ساز و دارنده رتبه
سوم کشور در رقابت پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی
شیفته آرامش دنیای گرافیک

۷

برگزاری پاتوق کتاب‌خوانی در محله مهرگان با
استقبال دختران همراه شده است
کتاب، بهانه خوب دورهمی

شمامی توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.



○ ● معاینه هفتگی بیماران نیازمند

معاینه رایگان نیازمندان در حوزه علمیه حضرت زینب (س) واقع در محله قرقی، نه فقط در مناسبت ها بلکه در تمام هفته های سال انجام می شود. سه شنبه هر هفته، ساعت ۸ تا ۱۰ صبح، پزشک متخصص داخلی برای انجام این عمل خیراندیشانه، حاضر می شود. دریافت نوبت نیز ساعت ۱۰ روزهای دوشنبه، در این حوزه علمیه امکان پذیر است.



○ ● پایگاهی برای تجمیع داروهای مزاد

شهامت! دستگیری از بیماران نیازمند با اهدای رایگان دارو، طرحی است که مقدمات آن در مرکز فرهنگی هنری امام جواد (ع) واقع در محله قرقی فراهم می شود. در این طرح، اهالی داروهای مزاد در منازل خود را به مرکز می آورند تا پس از تجمیع در اختیار داروساز قرار بگیرد. داروهای تأیید شده در اختیار مؤسساتی قرار خواهد گرفت که به نیازمندان خدمات پزشکی رایگان ارائه می کنند.

○ ● تن پوش تو با من

اهالی محله فاطمیه، پس از چند دوره برگزاری طرح ماهانه جمع آوری لباس برای نیازمندان، با جزئیات آن آشنا هستند و می دانند که باید صرفاً لباس های نو و در حد نوراً برای اهدا به مسجد چهارده معصوم (ع) بیاورند. پس از آن، نوبت خواهران گروه جهادی شهید سید سعید صاحب نظر است که دورهم جمع شوند، لباس ها را تفکیک، اتو کشی و بسته بندی کنند و در اختیار مساجد همکار در حاشیه شهر و روستاهای اطراف مشهد بگذارند تا به دست نیازمندان واقعی برسد. ارزش لباس های جمع شده در این دوره، ۴۰۰ میلیون تومان برآورد می شود.



○ ● آشنایی طلاب با هوش مصنوعی

آشنایی طلاب با علوم روز، رویکردی است که در مدارس علمیه حضرت مهدی (عج) دنبال می شود. با همین رویکرد، پنجشنبه پیش، دوره ای دو سته و ده دقیقه ای با عنوان «کنشگران هوشمند» برگزار شد تا طلبه های این مدرسه واقع در محله خیرآباد با موضوع هوش مصنوعی آشنا شوند. سید مهدی روحبخش، مدیر خانه فناوری های فرهنگی شهید هاشمی نژاد، مدرس این دوره بود.



تماس های عمرانی و ساخت و ساز در صدر جدول



چهارشنبه هفته گذشته در سومین روز بهمن، سید علی حسینی، آخرین دقایق کاری اش در منطقه ۳ را در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ سپری کرد و نیم ساعت بیش از زمان مقرر پاسخ گوی مطالبات شهروندان بود. در این ۱۲۰ دقیقه او به همراه معاون فنی و اجرایی اش پای صحبت ۴۴ شهروند از محله های مختلف منطقه نشست.

شهرآرامحله پیگیری می کند

در هفته های پیش رو، گزارشی از بهسازی معابر و جوی محله مهر مادر تهیه خواهیم کرد و در ادامه پاسخ مطالبات شهروندان را از رئیس اداره فنی و عمران جویا خواهیم شد.

پیام های نامرتب

حدود ۵ درصد درخواست ها مثل تأمین روشنایی معابر خارج از وظایف ارگان شهرداری بود.

درخواست های مربوط به ساخت و ساز و تخلفات ساختمانی

۳۲ درصد شهروندان از ساخت و سازهای بی ضابطه گلایه مند بودند که بیشترین تخلف ها در دو محله طبرسی شمالی و عباس آباد بود.

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

۹ درصد از شهروندان درخواست هرس سرشاخه های درختان را داشتند که از این تعداد، پنجاه درصد آن مربوط به خیابان های شهید یوسف زاده و خیابان مهرمادر در محله مهرمادر بود.

درخواست های مربوط به خدمات شهری

برخلاف ماه گذشته که بیشترین تماس ها در حوزه خدمات شهری بود، هیچ تماسی به رفت و روب معابر اختصاص نداشت.

درخواست های مربوط به حوزه عمرانی و ساخت و ساز

حدود ۳۲ درصد تماس ها مربوط به احداث و بهسازی جوی و جداول بود که از این تعداد، بیشترین درخواست ها از خیابان مهرمادر و خیابان شهیدان نظام دوست بود.

تماس های مربوط به تشکر و قدردانی

۱۱ درصد تماس ها به تشکر از شهردار و کارکنان شهرداری ختم می شد. یکی از شهروندان ۴۵ دقیقه پشت خط در انتظار مانده بود تا پیام تشکرش را مستقیم به شهردار منتقل کند.

تماس های حوزه شهرسازی، فرهنگی و ...

۱۱ درصد تماس ها مربوط به سایر حوزه ها بود.



با پیگیری شهرآرامحله خودروهای رهاشده منطقه ۴ به پارکینگ منتقل شدند

نفس کشیدن کوچه‌ها با انتقال خودروهای اسقاطی



فیضی-شهامت | هرطور که فکر کنید، مزاحم هستند. عرض خیابان را کم می‌کنند و تردد را مشکل. پاکبان‌ها را برای نظافت با چالش مواجه می‌کنند و شب‌ها پاتوق می‌شوند برای معتادان. خودروهای رهاشده در معابر منطقه ۴، مشکلی است که گله‌آهالی را به دنبال داشته و وجود موانعی چند. نگذاشته است که تلاش واحد رفع سد معبر شهرداری منطقه، نتیجه لازم رداشته باشد. ورود شهرآرامحله به ماجرا، به نتایج مبارکی ختم شد که در ادامه می‌خوانید.

انعکاس به دستگاه قضایی

تعدادشان تا همین یک ماه پیش، ۲۳ تا بود؛ خودروهایی فرسوده با ظاهر درب و داغان که روزهای متمادی از پارک شدن آن‌ها در گوشه و کنار معابر عمومی منطقه ۴ می‌گذشت. این زمان طولانی باعث شده بود که صاحبان خودروها باورشان شود بخشی از معبر، در تملک آن‌ها و خودروهای زهوار دررفته‌شان است.

آن‌طور که محسن فرمانبر، مسئول رفع سد معبر منطقه ۴ می‌گوید، این کار تخلف است و تجاوز به حقوق عمومی، خواه آن معبر کم عرض باشد یا عریض. او از گزارش‌هایی می‌گوید که مردم با ۱۳۷ درمیان می‌گذرند و از پارک خودروهای یادشده گله می‌کنند.

آلونک معتادان

یکی از این شهروندان گلایه مند، محمد است. او که از اهالی محله شهید قربانی است، نشانی یکی از این خودروها را در بولوار پنجتن می‌دهد و می‌گوید: اگر اشکالی ندارد که ماشین را چند ماه گوشه خیابان پارک کنی و تکان ندهی، بگو بید که ماهم همین کار را بکنیم. او ادامه می‌دهد: آن‌هایی که اسقاطی اند، شده اند آلونک معتادها. آن‌هایی که در و پیکر درستی دارند هم کار رفتگرها را سخت می‌کنند. بنده‌های خدا باید دولا شوند تا بتوانند زیر ماشین‌ها را جارو بزنند. بدون اینکه پیرسیم، نتیجه این هر ج و مرج را شرح می‌دهد: شب‌ها، حاشیه خیابان‌های منطقه را ببینید؛ می‌شود پارکینگ. این‌ها را جمع نکنند، روزهای خیابان‌های منطقه هم می‌شود مثل شب‌هایش.

بی توجهی به اخطارها

مسئول رفع سد معبر منطقه ۴ از پیگیری‌ها برای این مطالبه مردمی می‌گوید: موضوع را با معاون دادستان مشهد و سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی، در میان گذاشته ایم. با دستور قاضی محمد اسماعیل عندلیب و همراهی کلانتری‌های گلشهر، میرزا کوچک خان، پنجتن و طبرسی شمالی، به صاحبان خودروهای اشاره شده، اخطار سه روزه داده شد.

او اضافه می‌کند: صاحبان هفده خودرو به اخطاریه، توجه و برای جابه‌کردن خودرو اسقاطی خود اقدام کردند. مانده است شش‌تای دیگر که متأسفانه پیگیری‌های ما و صدور اخطارها نتیجه‌ای در بر نداشته است.

فهرست اسقاطی‌های مزاحم

خودرو پراید سفید در جماران ۸، خودرویی که در جماران ۱۷ و پراید مشکی در معبر طبرسی شمالی بین ۲۸ و ۳۰ از محله شهید قربانی، تاکسی پژو کنار پمپ بنزین پنجتن در محله التیمور، وانت پیکان بین بابا نظر ۸ و ۱۰ و پژو نوک مدادی پارک شده در حدفاصل خداشناس ۱۲ و ۱۴ از محله رده، شش موردی هستند که مانع از پاک‌سازی معابر منطقه ۴ شده‌اند. تجربه می‌گوید برخورد نکردن با صاحبان خودروهای یادشده، بدآموزی دارد و سایر شهروندان را نیز به تکرار تخلف، ترغیب می‌کند.

وقتی از فرمانبر می‌پرسیم برای حمل با جرثقیل و انتقال خودروهای یادشده به پارکینگ چه پیگیری‌های انجام شده است، می‌گوید: ما با قاضی عندلیب، موضوع را در میان گذاشتیم. پیرو آن نماینده بنیاد تعاون که پارکینگ‌های شهر زیر نظر آن‌هاست، دعوت شد اما با گذشت بیش از بیست روز از قضیه، اتفاقی رخ نداده است.

گرهی که باز شد

پیگیری‌های ما برای ایجاد یک هماهنگی بین دستگاهی و باز شدن این گرهِ کمتر از آنچه به نظر می‌رسید زمان می‌برد. وقتی ما جرا را با هادی حسین زاده، عضو هیئت مدیره شرکت حافظ ثامن (خدمات تخصصی انتظامی) در میان می‌گذاریم و از مشکلاتی که این خودروها ایجاد کرده‌اند، مثل تبدیل شدن به

پاتوق کارتن خواب‌ها، همچنین دستور معاون دادستان مشهد برای جمع‌آوری‌شان می‌گوییم، قول مساعد برای همکاری را دریافت می‌کنیم.

تنها پیش شرط او برای همراهی، حضور مأموران کلانتری هر محله است تا هنگام انتقال خودرو، صورت جلسه‌ای با امضای نماینده کلانتری، تهیه و فرایند قانونی کار به درستی طی شود.

تاکسی بدون سرویس دهی

ساعت از ۱۲ گذشته است که به محل پارک یکی از خودروهای رهاشده می‌رسیم؛ جنب پمپ بنزین ۱۵۵ پنجتن. با دیدن خودرو رهاشده که یک تاکسی سمند زرد است، سؤالات مختلفی به ذهن می‌رسد: اینکه این تاکسی، چرا به جای قرار داشتن در ناوگان و خدمت‌رسانی به مردم، مدت‌ها اینجا رها شده است؟ صاحب آن که اهالی محل، او را به نام محمود می‌شناسند، چه نفعی از بدون استفاده نگهداشتن تاکسی می‌برد؟ تاکسی‌رانی روی قضیه نظارتی دارد؟ شماره پلاک را به مرتضی چاپچی مطلق، مدیرعامل تاکسی‌رانی مشهد، می‌دهیم و او قول پیگیری موضوع را می‌دهد.

مقاومت بی‌فایده

تا نماینده کلانتری سر برسد، خودرو و نیروهای سد معبر رسیده‌اند. جوانکی که معلوم نیست با صاحب خودرو چه نسبتی دارد، آمده است و اصرار دارد که ماشین را نبرند. وضعیت را لحظه به لحظه به کسی که آن سوی خط است، گزارش می‌دهد. بعد هم می‌آید سراغ مأموران و جوری قول می‌دهد که انگار نه انگار بارها برای جمع‌آوری خودرو، اخطار داده شده است. بعد با خبر می‌شویم که در پس قضیه، مقاومت‌هایی هم از جنس اعمال رابطه صورت می‌گیرد برای اینکه خودرو یادشده به پارکینگ نرود، اما استفاده از ابزار روابط هم افاقه نمی‌کند و کفه، همچنان به سمت اجرای قانون سنگین است.

دو روز بعد از جمع‌آوری نخستین خودرو رهاشده در معبر، مسئول واحد سد معبر منطقه ۴ ضمن قدردانی از پیگیری‌های صورت گرفته اطلاع می‌دهد سایر خودروها هم روانه پارکینگ شده‌اند تا عملیات پاک‌سازی معابر منطقه ۴ با موفقیت به پایان برسد.





گزارشی از مسجد کوچک اما پر قصه
ابتدای خیابان آیت... عبادی

۳

مسجد والدین

خانه‌ای ویژه که وقف شد



سمیرا شاهین | مسجدی قدیمی و بی‌هیاهو در ابتدای خیابان آیت... عبادی در محله راه آهن و روبه روی پایانه اتوبوسرانی شهدا جا خوش کرده است. که اگر تا بلوک کوچک و سردر ساده‌اش یادست نوشته روی دیوارش نبود، شاید کمتر کسی متوجه حضورش می‌شد. این بنا با قدمتی حدود یک قرن در دل یک محله قدیمی جا گرفته و حالا پناهگاهی برای معدود نمازگزارانش شده است. از چارچوب یک در سبز وارد می‌شویم: دری که هر صدا و حرکت لولای کهنه‌اش، نوای سال‌های دور را در گوشمان زمزمه می‌کند. راهرویی باریک پیش روی ماست که از میانه به دو بخش تقسیم می‌شود: روبه‌رو، در ورودی برادران و سمت راست، پرده و دری که خواهران را به مسجد دعوت می‌کند.

درهای چوبی قدیمی، کلید و پریشا، طاقچه‌ها و رنگ‌های کهنه و ترک‌های ریز و درشت دیوارها همه نشانی از گذشته‌ای دور دارند. حتی طبقه دومی که بر فراز این خانه نشسته، دست نخورده باقی مانده است. گویی زمان در اینجا حرکت باز ایستاده. اینجا یک خانه قدیمی است که اگر خوب گوش تیز کنی، هنوز صدای خانواده‌ای را که پیش از دهه ۸۰ اینجا می‌زیسته‌اند، می‌شنوی. این خانه، روزگاری ملک شخصی مرحوم محمد خزاعی نژاد بود: مردی که دهم آذر ۱۳۹۴ از دنیا رفت. اما پیش از وفات، در سی و یکم مرداد سال ۱۳۸۰ تصمیمی گرفت که نامش را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. او وقف نامه‌ای تنظیم و خانه‌اش را به یاد پدر و مادرش وقف مسجد کرد: خانه‌ای که تا پیش از این، مأمین چهره‌های انقلابی و بزرگان مشهود بود. گفته می‌شود روزگاری رهبر انقلاب نیز به این خانه آمده‌اند: مکانی که پیش از وقف هم مراسم و مناسک آزمایشی حج، نشست‌های فرهنگی و حتی پخت و پز نذری در آن رونق داشت، اما اکنون، نامش مسجد والدین است: مسجدی که به روزگار یتیمی شبیه است. با این حال، روح وقف و عشقی که در آن دمیده شده، هنوز زنده نگهش داشته است.



ساده اما دلنشین

مسجد والدین، هنوز هم روح خانه بودنش را حفظ کرده است. حیاط کوچکی که در آن تنهاتنه خشکیده یک درخت انجیر باقی مانده، شاهد خاموش تاریخ این بناست. این درخت که روزگاری سایه سار حیاط بود، سال‌هاست به خاطر تاکید واقف، مرحوم محمد خزاعی نژاد، سر جای خود ایستاده و با وجود خشکیدگی، همچنان جزئی از هویت مسجد است. قسمت برادران، همان حیاط قدیمی خانه است که سقفی بلند بر فراز آن ساخته شده است. در سوی دیگر، بخش خواهران، همان اتاق نشیمن یا بخش اعیانی خانه قدیمی است که اکنون به فضایی کوچک برای نماز خانم‌ها تبدیل شده است. فضای مسجد بسیار ساده است و حس بی‌پیرایگی آن به دل می‌نشیند؛ چند فرش ماشینی لاک‌رنگ، یک بخاری قدیمی که گوشه‌ای ایستاده، محرابی ساده با گچ و آجرنمایی ابتدایی در قسمت بانوان به دیوار چسبیده است و یک طاقچه کوچک که چند کتاب قدیمی، عکسی از بقیع و چند قلم ساده دیگر روی آن قرار دارد، به ظاهر همه دارایی‌های این مسجد است. پارچه سبز طرح داری بخش برادران و بانوان را از هم جدا کرده است. اهالی محله می‌گویند که مرحوم محمد خزاعی نژاد، از خادمان آستان قدس رضوی بوده است و او را به اخلاق نیک و خوش ذوقی‌اش می‌شناختند: مردی که نیت داشت به یاد والدینش کاری ماندگار انجام دهد. بعضی هم بر این باورند که این مسجد در میان مساجد ایران نامی خاص دارد: حجت الاسلام میرمحمد معصومی که امام جماعت شب مسجد است، می‌گوید: در فضای مجازی جست و جو کردم و مسجدهایی با نام‌هایی چون «بی‌بی»، «آقای بزرگ» و «برادران» دیدم که تکرار هم شده‌اند، اما مسجدی به این نام نیافتیم. شاید اسم این مسجد، یکی از نادرترین نمونه‌ها باشد.

مسجد والدین: از خانه‌ای پرخطر تا سکون و سکوت

سید علی میریزدی، همسایه‌ای هشتادساله که در زمان حیات مرحوم خزاعی نژاد به این خانه رفت و آمد داشته است، می‌گوید: این خانه وزمین هم جوارش یک قطعه ششصد متری بود. پراز درخت و سرسبزی، و همیشه بساط چای و شربتش برقرار بود. او یاد آوری می‌کند که این دو خانه، زمانی محل سکونت دو برادر بوده است که در خانه‌های مجزا، اما متصل به یکدیگر زندگی می‌کردند. در آن زمان، دو خانواده باهم رابطه خویشاوندی دو جانبه داشتند، یعنی همسران دو برادر هم خویشاوند بودند.

هنوز هم جای درهایی که این دو خانه را به هم مرتبط می‌کرده در طبقه دوم مسجد باقی مانده است و خاطره‌ای از گذشته‌ای پررونق را زنده نگه می‌دارد. میریزدی تعریف می‌کند که مرحوم محمد خزاعی نژاد، از خادمان آستان قدس رضوی، تصمیم گرفت خانه‌اش را به یاد پدرش، حاجی ایوب و مادرش وقف مسجد کند. او می‌گوید: از زمانی که مرحوم تصمیم به وقف گرفت تا شش ماه هیچ تابلویی برای مسجد نصب نشده بود. اولین تابلو مسجد هم در سال ۱۳۸۰ طراحی و نصب شد. با این حال، تاریخچه وقف این خانه بی‌حاشیه نبوده است. اکنون برخی از بازماندگان مرحوم خزاعی نژاد، درباره این وقف و همچنین مغازه‌های هم جوار مسجد ادعاها و شکایت‌هایی را مطرح می‌کنند تا آنجا که برخی از اهالی قدیمی از خواندن نماز در اینجا یاد دارند. اما همسایه‌های قدیمی به خوبی می‌دانند که مرحوم خزاعی نژاد از ته دل به این وقف رضایت داشته و آن را به عنوان اقدامی ماندگار به یاد پدرش انجام داده است.



مسجد والدین: زندگی روزمره و قصه‌های ناگفته

مسجد والدین تنها یک مکان عبادی منزوی و آرام در گوشه‌ای از خیابان آیت... عبادی نیست. این مسجد کوچک و ساده، قصه‌های بسیاری را در گوشه و کنار خود نهفته دارد؛ داستان‌هایی که هر کدام گوشه‌ای از زندگی روزمره مردم محل را در برمی‌گیرد. یکی از این روایت‌ها، به حاج محمد ساسانی بازمی‌گردد؛ کسی که سال‌ها در راهرو این مسجد، گاری میوه فروشی خود را مستقر کرده بود. راهرو مسجد، تا نصفه با طبق‌های میوه پر می‌شد و مردم برای خرید به آنجا می‌آمدند. اما زندگی حاج محمد تنها به میوه فروشی ختم نمی‌شد؛ او به د عانووسی هم مشغول بود. حجت الاسلام والمسلمین معصومی، امام جماعت کنونی

مسجد، تعریف می‌کند: در میان صحبت‌های قدیمی‌ها این طور گفته می‌شود که د عانووسی حاج محمد گاهی آرامش اهالی و نمازگزاران را مختل می‌کرد. او در راهرویی که در قسمت زنانه مسجد بوده، می‌نشسته و برای مشتریان نسخه می‌پیچیده است. آن قدر که خانم‌های محله از ترس آنچه از زبان او می‌شنیدند، رغبت نمی‌کردند به مسجد بیایند. در نهایت گویا مرحوم حاج علی شمس‌قدری به حاج محمد خزاعی نژاد زنگ می‌زند و بالاخره موفق می‌شوند او را راضی به رفتن از مسجد کنند. حجت الاسلام والمسلمین معصومی با حسرت درباره وضعیت کنونی این مکان دینی می‌گوید: والدین، مسجدی است که نه بانی دارد، نه مستغلاتی. مسجدی یتیم است که بیشتر وقت‌ها فقط برخی راننده‌ها برای نماز ظهر به اینجا می‌آیند. او یادآور

می‌شود که این مسجد زمانی پررفت و آمد بوده است و آدم‌های سرشناسی چون مرحوم علی شمس‌قدری از یاران خراسانی رهبر معظم انقلاب و پدر و برادر شهید، سید جواد مصطفوی، از علمای معاصر مشهد و آیت... سید حسن صالحی معروف به میرزا حسن صالحی، پدر وزیر ارشاد فعلی، در آن رفت و آمد داشته‌اند. گذشته این مسجد پر از نقش آفرینی‌های تاریخی است. حجت الاسلام والمسلمین معصومی می‌گوید: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد والدین که هنوز مسکونی بود یکی از مراکزی بود که بسیاری از بزرگان و چهره‌های انقلابی به آن رفت و آمد داشتند. مرحوم خزاعی نژاد خود فردی انقلابی و فعال بود. بسیاری از چهره‌های برجسته‌ای که می‌خواستند از دست ساواک پنهان شوند، به اینجا می‌آمدند.

مسجد والدین: تلخ و شیرین‌های یک میراث ماندگار

سید علی میریزدی، یکی از اهالی و کسبه قدیمی محل که از جریان نام‌گذاری مسجد مطلع است و واقف، مستقیم با او در این باره صحبت کرده، تعریف می‌کند: خانواده حاجی شب‌های جمعه، یک دیگ غذا درست می‌کردند و مراسم مختلف، از جمله ولادت امام رضا (ع) یا روز عاشورا مراسم برگزار می‌شد. حاج آقا و خانواده‌اش با مردم گرم و گیرا بودند و ارتباط صمیمانه‌ای داشتند.

اما حالا، این مسجد که زمانی خانه‌ای پررونق و پرمهر بود، به گفته میریزدی، سال‌هاست که «بی‌فروغ» شده است. دیگر از آن جمع‌های پرشور و رفت‌وآمد‌های صمیمانه خبری نیست. با این حال، این میراث ساده و ماندگار، خاطرات تلخ و شیرین بسیاری را در دل خود حفظ کرده است؛ از زخم‌هایی که در مسیر وقف بر آن وارد شد تا روزهایی که درهایش به روی همگان باز بود و هر گوشه‌اش، نشانی از سخاوت و گرمای حضور خانواده واقف داشت.

خانه‌ای که پایگاه انقلاب بود

تاریخچه مسجد والدین تنها به وقف و سادگی بی‌پیرایه‌اش ختم نمی‌شود. این مکان، در روزگاری که هنوز یک خانه مسکونی بود، مأمن و محل رفت‌وآمد چهره‌های برجسته انقلابی و روحانیون بزرگ بوده است. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر فرزانه، امام جمعه موقت مشهد، نقل می‌کند که در بحبوحه اتفاقات انقلابی این خانه شاهد حضور افرادی همچون رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی نژاد بوده است. حجت الاسلام والمسلمین فرزانه می‌گوید: مرحوم خزاعی نژاد، واقف این مسجد، متدین، انقلابی و مورد اعتماد بود. منزل مرحوم که بعداً به مسجد والدین تبدیل شد، یقیناً محل رفت‌وآمد و اجتماع بزرگان انقلاب در مشهد بود. نزدیکی‌های پیروزی انقلاب چند نفر از آقایان ناگزیر بودند به لحاظ مسائل امنیتی در منازل افراد مختلفی، شب‌را صبح کنند و یکی از پاتوق‌های انقلابیون، منزل مرحوم خزاعی نژاد بود. منزل ایشان یکی از خانه‌های امن بود که حضرت آقا و بعضی از چهره‌های انقلابی مشهد از جمله شهید هاشمی نژاد هم آنجا حضور داشتند. خاطر هست مرحوم خزاعی نژاد بعد از وقف خانه ساکن احمدآباد شده بود.



ساعتی با مهدی خیابانی، انیمیشن ساز و دارنده رتبه سوم کشور در رقابت پژوهش سراهای دانش آموزی

شیفته آرامش دنیای گرافیک



امید محله



شهامت اتمام چند سال تجربه ای که از دنیای شیرین گرافیک کسب کرده بود. یک طرف، اردیبهشت امسال و آشنایی اش با پژوهش سرای ابوریحان در محله وحید، یک طرف. هر چند که دو سال از ورود مهدی خیابانی، دانش آموز پایه دوازدهم هنرستان امام علی (ع)، به بازار کار مرتبط با رشته تحصیلی اش می گذرد. می گوید که جنس آموخته هایش پس از ورود به پژوهش سرا با همه آنچه تا به حال پشت میز و نیمکت کلاس ها و در کارگاه های هنرستان یاد گرفته است. تفاوت دارد. این دانش آموز رشته تولیدات چند رسانه ای، برایمان از کسب رتبه سوم در سال ۱۴۰۳ در میان پژوهش سراهای دانش آموزی کشور می گوید؛ رتبه ای که حاصل ساخت یک انیمیشن چهار دقیقه ای در زمینه زیست فناوری است و سندی بر اثبات توانمندی او در میان دانش آموزان دیگر نواحی مشهد، استان و کشور.

عکس: فقیهه فرخی/شهرآرامش

● چه حسی داشت؟

اینکه بتوانی مهارت را به پول تبدیل کنی، خیلی شیرین است.

● چطور بازاریابی می کنی؟

در سایت های مرجع استخدامی، کارفرما درخواست، مبلغ و زمان آن را مطرح می کند و تو ضمن ارائه رزومه، به آن پاسخ می دهی.

● وضعیت درسی ات چطور است؟

خوب؛ معدل پارسالم شد ۱۸ و خرده ای.

● بنای ادامه تحصیل در کدام رشته را داری؟

هنوز انتخاب قطعی نکرده ام. رشته ای می خواهم که جنبه گرافیکی اش پررنگ باشد.

● در گرافیک چه دیده ای که علاقه مند شدی؟

انجام دادنش آرامش و صبر می خواهد. نداشته باشی، یک ربع بعد، فتوشاپ را می بندی و از پشت کار بلند می شوی یا بدتر؛ یک ساعت کار می کنی تا از موشن خروجی بگیری؛ بعد می بینی یک ثانیه باگ دارد و باید دوباره، کار را انجام بدهی.

● این علاقه را از کی فهمیدی؟

علاقه ام را از کلاس هفتم فهمیدم اما انگار قبل از آن، همه می دانستند که من رشته ای مرتبط با کامپیوتر را انتخاب خواهم کرد.

● خودت را قبل و بعد از آشنایی با پژوهش سرا مقایسه کن.

در این کمتر از یک سال، خیلی بزرگ شده ام. آینده برایم روشن و جدی شده است؛ به ویژه وقتی با تجربه کارورزی تابستانه هنرستان، همراه شد. خوبی پژوهش سرا این است که هم از لحاظ علمی پیشرفت می کنی، هم فنی و هم ارتباطات اجتماعی.

● افتخار دیگری هم کسب کرده ای؟

قبل از این مسابقه، در رقابت دیگری شرکت نکرده بودم. راستش اصلا فکرش را نمی کردم که بتوانم جایگاه کشوری را کسب کنم.

● پروژه پژوهشی دیگری هم در دست داری؟

دارم برای جشنواره سال بعد آماده می شوم. یک پروژه ام در زمینه علوم آزمایشگاهی و دیگری درباره انرژی های نوین است.

● در روز چقدر وقت می گذاری برایشان؟

سرم خیلی شلوغ است، بین یک تا دو ساعت در روز حداکثر.

● چرا شلوغ؟

هم مدرسه دارم، هم کنکور. برای مشتری هایم، به صورت پروژه ای کارهای گرافیکی هم انجام می دهم.

● از چند وقت پیش؟

دو سالی می شود که کار طراحی لوگو، پوستر و... انجام می دهم. اولین کارت ویزیت را دو سال پیش زدم برای یک نمایشگاه اتومبیل. ۱۵۰ هزار تومان دستمزد گرفتم.

● ساخت انیمیشن را در هنرستان یاد گرفتی؟

مقدماتش را بله. مادر تولیدات چند رسانه ای، اصول طراحی و کار با نرم افزارها را یاد می گیریم و می توانیم موشن بسازیم. اما برای حرفه ای شدن در این کار باید علاقه مند باشی و آموزش های بیشتر را در فضا هایی مثل یوتیوب دنبال کنی.

● با پژوهش سرای ابوریحان چطور آشنا شدی؟

ابتدایی بودم، یادم نیست کلاس چندم. از طرف مدرسه، مارا آورده بودند پژوهش سرا برای بازدید. خوش گذشت و خاطره خوبی در ذهنم ماند. گذشت تا اردیبهشت امسال که از طرف پژوهش سرا آمدند هنرستان ما و درباره فعالیت هایش توضیح دادند. علاقه مند شدم و تصمیم گرفتم با ساخت یک انیمیشن در رقابت بین پژوهش سراهای دانش آموزی شرکت کنم.

● حوزه زیست فناوری را می شناختی؟

نه. برای اینکه بتوانم انیمیشنی در زمینه اخلاق زیستی تولید کنم، مطالعه کردم و از استاد راهنمایم، دکتر ضرغامی، کمک گرفتم. سناریو نوشتم، شخصیت ها را خلق کردم. چند برش موشن ساختم و در نهایت به هم وصل کردم.

● تهیه این اثر چقدر طول کشید؟

وقتم محدود بود. ۱۰ روزه توانستم کلیات کار را جمع کنم. ویرایش نهایی را یک ماه بعد و برای ارائه به مرحله استانی جشنواره، انجام دادم.

لیاقت این جایگاه را داشت

مینا ضرغامی مقدم، دکترای زیست شناسی و کارشناس

زیست فناوری پژوهش سرای ابوریحان

روزی که مهدی آمده بود پژوهش سراتارا هنمایی بگیرد و بتواند با ساخت یک انیمیشن در جشنواره شرکت کند، به او که دانش آموزی هنرستانی بود، پیشنهاد تولید انیمیشن در زمینه ای را دادم که اطلاعاتی درباره آن نداشت. چند لحظه ای مکث کرد و با اعتماد به نفس گفت:

«می توانم»، تنها سوالی که از من پرسید، این بود که چقدر زمان دارد. آن روز به عنوان استاد راهنما به این نتیجه رسیدم که با نوجوانی مسلط بر خود و با انگیزه مواجه هستم. با توضیحاتی که به زبان ساده درباره زیست فناوری و اخلاق زیستی به او دادم و مناجعی که مطالعه کرد، توانستم سناریوی داستانی بنویسیم.



تلاشش را می دیدم اما به دلیل نامرتب بودن رشته تحصیلی اش با انیمیشنی که بنا بود بسازد، تردید داشتم از پس کار بر بیاید. ویراست اول را که برایم فرستاد، با وجود کاستی هایی که داشت و باید برطرف می شد، مطمئن شدم که به مرحله استانی راه پیدا می کند؛ تجربه پانزده ساله کار در پژوهش سرا این اطمینان را به من می داد؛ با این حال، مصاحبه نفس گیری که داورها در مرحله کشوری انجام می دهند، نمی گذاشت به شانس موفقیت این انیمیشن در سطح ملی اطمینان داشته باشم. به ویژه اینکه مهدی، نوجوانی برون گرا و پر صحبت نبود.

با تمام این نگرانی ها و تلاش ها، داشتن یک سناریوی واقعی و قوی، خوش ساخت بودن انیمیشن، زبان ساده آن و انتخاب یک موضوع به روز دست به دست هم داد تا جایگاهی را که لایقش بود، به دست بیاورد.





برگزاری پاتوق کتاب خوانی در محله مهرگان با استقبال دختران همراه شده است

کتاب، بهانه خوب دورهمی

● خوانش جمعی کتاب

«اردوی خوبی بود. هم بازی و شادی داشت. هم نشستن پای درد دل های دخترانی که در سن بلوغ بودند. چیزی که برایم عجیب بود اینکه چقدر روی نداشته هایمان تمرکز کرده بودند و چقدر برداشت هایمان از رفتار والدینمان نادرست بود. دانش آن ها کم بود وگرنه همگی دخترهای باهوشی بودند. باید برایشان کاری می کردم.» گوینده این جملات، ریحانه صدیقی است؛ دانشجوی سال دوم رشته مشاوره. پیشنهادش برای برگزاری پاتوق کتاب خوانی، هم به دل مادرش که فرمانده پایگاه بسیج مسجد آسمان است. می نشیند و هم به کام دختران محله شیرین می آید: آن قدر که پس از برگزاری نخستین جلسه، هرکدامشان سفیر می شوند برای آوردن بقیه به این کلاس نود دقیقه ای.

شهادت همه راضی اند: هم دخترهایی که شنبه شب ها ساعت ۱۸ خودشان را می رسانند به مسجد آسمان در محله مهرگان، هم مادرانشان، هم مربی آن ها و هم فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت رقیه (س) که بانی این پاتوق کتاب خوانی است. جرعه این دورهمی دخترانه که عمر آن به شش هفته رسیده است. از یک اردو شروع شد و به اتفاقاتی مبارک ختم شده است که رویش هایش همچنان ادامه دارد.

● همه دختران من

«آرامسال با کمک مرکز رسیدگی به امور مساجد، دختران محله را به باغ سرای خاتون بردیم. دخترم که دانشجوی رشته مشاوره است. به این اردو آمده و با دخترهای نوجوان ارتباط گرفته بود. آن قدر آن روز به همه خوش گذشت که دلشان می خواست این باهم بودن ادامه داشته باشد. پیشنهاد برگزاری پاتوق دخترانه را دخترم داد. من هم موافق بودم. چه جایی امن تر از مسجد آسمان و چه بهانه ای بهتر از کتاب؟! این ها را صد بقیه زیدی، فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت رقیه (س) می گوید. ۱۰ سال سابقه سکونت در محله مهرگان و سه سال مسئولیت فرماندهی پایگاه بسیج، از او چهره ای معتمد برای اهالی ساخته است و او با کمک به برگزاری برنامه هایی مثل این پاتوق کتاب خوانی، از اعتبارش برای رشد دخترانی استفاده می کند که مثل فرزندان خودش، دوستشان دارد؛ دخترانی که تا هفده ساله که تعدادشان در جلسات نخست، پانزده نفر بود و اکنون از ۳۵ نفر عبور کرده است.

آوازه این کلاس که با خوانش جمعی یک کتاب شروع می شود و با مباحثه درباره نکات آن ادامه پیدا می کند، از محله مهرگان فراتر رفته است و کم کم دارد پای دختران محله قرقی نیز به آن باز می شود. انتخاب درست موضوع مبتنی بر نیازهای دختران، یکی از دلایل آن است و فضای صمیمی آن، دلیل دیگرش.

● به روایت دختران

جلسات اول، از همدیگر خجالت می کشیدند. برای همین کسی حاضر نمی شد بندهای کتاب «معجزه شکرگزاری» نوشته راندا برن را با صدای بلند بخواند. در این چند جلسه، هرکس خودش را پیدا کرده است. طوری که همه برای خواندن کتاب در کلاس، داوطلب اند؛ مثل یکتا کرامتی، دانش آموز پایه ششم دبستان شهید احمدی روشن. او در تمام جلسات پاتوق حاضر بوده و سه نفر از دوستانش را نیز با خود همراه کرده است. از شیرینی مباحث کلاس و تکالیفش این طور می گوید: من به خاطر خواندن این کتاب و انجام دادن تمرین هایش، حس خیلی خوبی دارم. شکرگزاری هایم را هر روز می نویسم. این خوشی ها قبلا هم بودند اما من حواسم به آن ها نبود.

مشابه صحبت های او را از مطهره ذوقدار نیز می شنویم. با دبیاتی کودکانه و متناسب با ۹ سال سنش از اصرارش به ادامه شرکت در پاتوق کتاب خوانی می گوید. طاهره نیازمند، مادر مطهره، نیز روی این اصرار و علاقه صحنه می گذارد و می گوید: آن قدر پاتوق رادوست دارد که یک بار جای جمعه و شنبه را اشتباه گرفته و به خیال اینکه کلاس را از دست داده است، ناراحت شده بود.



کانون بیت المهدی (ع) برای نُه ساله ها جشن تکلیف متفاوتی برگزار می کند

آغازی ساده برای تکلیفی شیرین



زندگی و دوره های انگیزی گرفته تا جلسات احکام و مسائل شرعی که همه با هدف ایجاد تحول معنوی و فکری در جامعه، به ویژه میان نسل نوجوان و جوان برگزار می شود.

به گفته علی محمد برادران افتخاری، مدیر کانون بیت المهدی (ع)، این حرکت از حدود هشت سال پیش آغاز شد و از همان ابتدا فراتر از یک جشن ساده بود. او توضیح می دهد: برای جشن تکلیف، ما به دختران نه ساله یک چادر و سجاده اهدا می کنیم. اما اصل ماجرا تازه از اینجا شروع می شود. هر پانزده دانش آموز زیر نظر یک مربی یا پشتیبان قرار می گیرند و در طول سال، در موضوعاتی مانند مسائل درسی، اخلاقی، احکام و مهارت های زندگی با آن ها در ارتباط هستیم. برادران افتخاری ادامه می دهد: برای دخترانی که علاقه مند به ادامه مسیر باشند، در مراحل بعدی، یک چادر مشکی، شبیه چادرهای حرم، با آرمی از کانون روی سردست آن هدیه می دهیم. این دختران پس از آن در بخش عفاف و حجاب شروع به فعالیت و در برنامه های کانون مشارکت می کنند.

این رویکرد، بعضی از مدرسه های منطقه را به همکاری با کانون تشویق کرده است. از جمله مدرسه «امامت» در خیابان پنجتن ۶۴، که با مدیریت دقیق و دغدغه مند خود، تصمیم گرفته است دانش آموزان پایه سوم خود را برای شرکت در این جشن های معنوی به کانون بیاورد. چهارشنبه هفته گذشته، آخرین مراسم

شاهیان آنه تالار مجلل داشت و نه سفره های پرهزینه، اما وقتی دخترها چادرهای سفید را سر می کردند و سجاده های کوچکشان را پهن، خوشحالی در چشمانشان برق می زد. همان لبخند ها کافی بود تا معنویت و شادی، بدون دغدغه هزینه ها، در دل کودکان محله التیمور و شهید قربانی و خانواده هاییشان جاری شود. این جرعه ای بود در روزهایی که بحران کرونا او ج گرفته و در همه کوچه پس کوچه های این شهر شادی رنگ باخته بود.

نرگس پارس، یکی از پشتیبانان کانون فرهنگی تبلیغی بیت المهدی (ع)، ایده این طرح را توضیح می دهد: چند نفر از قدیمی های کانون، همان هایی که سال ها قبل در کلاس های خادم الشهدا شرکت کرده و دبیرستانی شده بودند، دور هم جمع شدند و گفتند چرا برای دخترهای نه ساله محله جشن تکلیف نگیریم! از این رو مراسم برگزار شد؛ جشنی ساده، دور از زرق و برق جشن های مرسوم، اما پر از خوشحالی و معنویت. همان اتفاق آغازگر مسیری شد که امروز جشن های تکلیف ارزان قیمت کانون بیت المهدی (ع) را به یک رویداد ماندگار در محله تبدیل کرده است.

● جشنی برای مسیر تربیتی

اینجا کانون فرهنگی تبلیغی بیت المهدی (ع) واقع در خیابان پنجتن ۶۹ است؛ کانونی که با مأموریتش اجرای فعالیت های فرهنگی، تبلیغی و اعتقادی است. از کلاس های مهارت های

جشن تکلیف این مدرسه در کانون بیت المهدی (ع) برگزار شد؛ مراسمی که دانش آموزان و مادرانشان باهم در آن حضور داشتند.

● کارهای فرهنگی و ریشه های

مدیر کانون درباره روش تبلیغاتی و رویکردشان می گوید: تبلیغات ما چهره به چهره و دهان به دهان است. ما بر این باوریم فعالیت هایی مانند هدیه دادن روسری یا شاخه گل به افراد کم حجاب، تنها اقدامی مقطعی است. به همین دلیل هدفمان انجام کارهایی ریشه ای و پایدار است؛ یکی از نمونه های چنین فعالیت هایی، جشن تکلیف ارزان قیمت است که به عنوان نخستین قدم برای آشنایی دانش آموزان با ارزش های دینی و فرهنگی برگزار می شود. به گفته او این جشن ها با هزینه ای اندک - فقط ۲۰۰ هزار تومان - برگزار می شود، اما نقطه شروعی است برای مسیر طولانی فعالیت های اعتقادی و فرهنگی. کانون بیت المهدی (ع) که در سال ۱۳۸۰ تأسیس شده است با این نگاه، سعی دارد توجه به موضوعات دینی و معنوی را به بخشی ماندگار در زندگی افراد تبدیل کند.



رقی نورسین به کانال شهرآرامحله
منطقه ۳ و ۴ در بلاگ رسان کنید



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی، مهرگان



سید مجتبی حسینی، شهروند محله طلاب، به همراه پسرانش
محمدرضا، علی و دخترش، نیایش در این جشنواره شرکت کرده است. او
مسیرهای دوچرخه سواری منطقه را مناسب توصیف می‌کند و می‌گوید:
جمعه‌های هر هفته، خانوادگی دوچرخه سواری می‌کنیم. متأسفانه
مسیرهای منطقه ما اوضاع خوبی ندارد و ناگزیر هستیم دوچرخه‌هایمان
را با خود روتا کوه‌سنگی و... ببریم و از مسیر آنجا استفاده کنیم.



عکس: محمدرضا فیضی

ابراهیم و حیدری مقدم یکی از پیشکسوتان رشته دوچرخه سواری
است. او از سال ۱۳۹۰ به صورت حرفه‌ای دوچرخه سواری را آغاز کرده و
سالانه یک سفر خارج از کشور و دو سفر به کرمان و قم در برنامه هایش
دارد. این ورزشکار شصت و دو ساله می‌گوید: این طرح باعث می‌شود
خانواده‌ها به ویژه پدران و پسران به این ورزش تشویق شوند و
مسیرهای کوتاه را با دوچرخه سفر کنند و نقش مؤثری در
کاهش آلودگی هوا داشته باشند.

دومین دوره جشنواره فرهنگی ورزشی خانوادگی
در منطقه ۴ برگزار شد

پدر و پسر هم‌رکاب هم

فیضی | جمعه گذشته اداره تربیت بدنی شهرداری منطقه ۴ میزبان
دومین جشنواره «پدر و پسر» در رشته دوچرخه سواری بود. شهروندان
ساعت ۸:۳۰ خودشان را به خیابان شهید آوینی ۲ رسانده بودند تا در هوای
پاک صبح جمعه تا پنجتن ۴۷ (مجموعه ورزشی شهید یاسین رحیمی)
رکاب بزنند و روز متفاوتی را تجربه کنند. قرعه‌کشی و اهدای جوایز، ثبت نام و
سامان‌دهی شهروندان علاقه‌مند به دوچرخه سواری، از بخش‌های این جشنواره بود.
جشنواره پدر و پسر از ولادت حضرت علی (ع) آغاز شده است و تا ۲۲ بهمن در رشته‌های
فوتسال، طناب‌کشی، مسابقات فرهنگی و... ادامه دارد.



بعضی از تشکل‌های فعال منطقه برای این جشنواره سنگ
تمام گذاشته بودند. از جمله گروه دوچرخه سواری «رویش» از محله
ایثار، امام جماعت و نوجوانان مسجد‌های قائمیه و حضرت زینب (س)
که حضور پررنگی داشتند.



علیرضا حامدی، مسئول تربیت بدنی منطقه ۴ درباره مسیر
انتخابی دوچرخه سواری، می‌گوید: مبدأ از خیابان شهید آوینی و
مقصد را در مجموعه ورزشی ساحلی انتخاب کردیم تا علاوه بر ترویج
فرهنگ دوچرخه سواری، ورزشکاران با مجموعه ورزشی ساحلی که
اخیراً افتتاح شده است، آشنا شوند.